



اخلاص را مرور کنیم

جواد خرمی

مؤثر بوده‌اند و سالها لذت و مزه صحبت آنان در ذائقه مردم مانده است. آنچه پیش رو دارید، بازخوانی اخلاص در روایات است؛ به امید آنکه مبلغان سخت کوش با ازدیاد خلوص در کارها و تبلیغات خویش بیش از گذشته بر موفقیت تبلیغی خویش بیفزایند.

حقیقت اخلاص

اخلاص، از ماده خُلص به معنای پاکیزه و خالی از آلودگی است. در قرآن داریم: «لَبِنًا خَالِصًا»؛ یعنی شیر خالص

موفق‌ترین قشر در بین بشریت، انبیا و پیامبران و اولیای الهی علیهم‌السلام بوده‌اند که راز و رمز اصلی موفقیت آنها در یک کلمه خلاصه می‌شود و آن اخلاص در راه خداست. رمز جاودانگی و ماندگاری آنان نیز همین مسئله است. علما و واعظان و مبلغان ادامه دهندگان راه انبیا هستند و اگر بخواهند در این مسیر موفق باشند و در هدایت مردم به نتیجه مثبت برسند، تنها راه این است که اخلاص را به عنوان یک اسلحه مورد نیاز همیشه همراه داشته باشند. به راستی مبلغانی که خالصانه تبلیغ کرده‌اند، در بین مردم

که از بین خون و سرگین حیوان به وجود می‌آید؛ اما نه رنگ خون را دارد و نه بوی فضولات حیوان را. عمل خالص آن است که از لابه لای تمام امور دنیوی و تمایلات عبور کند، اما جز رنگ و بوی الهی، هیچ رنگ و بویی به خود نگیرد. در روایات این معنی با زبانهای مختلفی بیان شده است که نمونه‌هایی بیان می‌شود:

۱. عدم انتظار ستایش

رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره حقیقت اخلاص چنین فرمود: «إِنَّ لِكُلِّ حَقِّي حَقِيقَةً وَمَا بَلَغَ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِخْلَاصِ حَتَّى لَا يُحِبَّ أَنْ يُحَمَدَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ عَمَلٍ لَيْلَهُ؛^۱ برای هر حقی [و امر واقعی و ثابتی] حقیقت و واقعیتی است و بنده به حقیقت اخلاص نمی‌رسد، مگر اینکه دوست نداشته باشد بر چیزی از عمل [انجام شده] برای خدا ستایش شود.»

این روایت می‌گوید یکی از نشانه‌های حقیقت اخلاص این است که انسان در انجام کاری نه تنها انتظار ستایش نداشته باشد، بلکه قلباً هم دوست نداشته باشد که مردم از او تعریف و تمجید و ستایش کنند. و این

حقیقتاً امر مشکلی است؛ خیلی هنر می‌خواهد که انسان از نظر تسلط بر هواها و خواسته‌های روحی و قلبی به حدی رسیده باشد که در کارهای خدایی از ستایش دیگران نیز خوشش نیاید. این مرحله از اخلاص را معصومان علیهم السلام و تالی تلو آنها دارند. این همان است که قرآن درباره اهل بیت علیهم السلام می‌فرماید: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا»^۲ إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا تَرْبُدُوا مِنْكُمْ جِزَاءً وَلَا شُكُورًا»^۳ «و غذای [خود] را بر حب الهی به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند. [و می‌گویند:] ما شما را به خاطر خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم.»
یعنی حتی اراده قلبی هم نسبت به تشکر آنها ندارند.

امام صادق علیه السلام نیز در این باره فرمود: «الْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تَرْبُدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ»^۳ عمل

۱. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۰۴، ح ۵۱؛ منتخب

میزان الحکمة، ص ۱۶۵.

۲. انسان / ۸-۹.

۳. الکافی، کلینی، ج ۲، ص ۱۶، ح ۴؛ منتخب

او راضی است و زمانی که در راه خدا اعطا کند، پس به حدّ اطمینان به پروردگار عزیز و جلیلش رسیده است.»

۳. ترک محرّمات

گاه اخلاص در روایات به ترک محرّمات معنی شده؛ البته روشن است که ترک محرّمات از کارهای دشوار و مشکلی است که انسان موفق به آن نمی‌شود، مگر ایمان قوی و محکمی به خدا داشته باشد؛ از این رو دوری از حرام، خود به خود اخلاص و نیّت خدایی را در بر دارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «تَمَامُ الْإِخْلَاصِ إِجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ؛^۱ کُلّ اخلاص در دوری جستن از حرامها [خلاصه شده] است.»

۴. کار برای خدا

در یک کلام می‌توان گفت:

خالص آن است که نخواهی جز خدای عزیز و جلیل کسی بر آن تو را ستایش و تمجید کند.»

۲. عدم درخواست از دیگران

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از جبرئیل علیه السلام درباره معنی و تفسیر اخلاص پرسید. او در جواب گفت: «الْمُخْلِصُ الَّذِي لَنَا يَسْأَلُ النَّاسَ شَيْئًا حَتَّى يَجِدَ وَإِذَا وَجَدَ رَضِيَ وَ إِذَا بَقِيَ عِنْدَهُ شَيْءٌ أُعْطَاهُ فِي اللَّهِ؛^۱ مخلص کسی است که از مردم چیزی درخواست نکند تا اینکه آن را بیابد [و خدا به او بدهد] و زمانی که آن چیز را یافت، به [مقدار و اندازه] آن راضی باشد و اگر چیزی در نزد او [اضافه آمد و] باقی ماند، آن را در راه خدا عطا کند.» و در ادامه اظهار داشت: «فَإِنَّ مَنْ لَمْ يَسْأَلِ الْمَخْلُوقَ فَقَدْ أَقْرَبَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِالْعُبُودِيَّةِ وَإِذَا وَجَدَ فَرَضِي فَهُوَ عَنِ اللَّهِ رَاضٍ وَاللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَنْهُ رَاضٍ وَإِذَا أُعْطِيَ لِلَّهِ فَهُوَ عَلَى حَدِّ الثَّقَةِ بِرَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛^۲ به راستی کسی که از مخلوق درخواست نکند، به بندگی خدای عزیز و جلیل اعتراف کرده و هر گاه یافت [آنچه را که می‌خواست]، به آن راضی شود. پس او [در واقع] از خدا راضی شده و خداوند بلند مرتبه نیز از

میزان الحکمة، ص ۱۶۵.

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۹۴، ح ۲۰۲۵۷؛ بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۳۷۳، ح ۱۹.

۲. همان مدارک؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۵، ح ۵؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۱۶۴.

۳. کنز العمال، متقی هندی، ح ۴۴۳۹۹؛ منتخب

میزان الحکمة، ص ۱۶۵.

محدث می‌گوید: «من برای امام حسین علیه السلام منبر می‌روم، نه برای دیگری.» و آن وجه را نپذیرفت.^۳

اهمیت اخلاص

در قرآن و روایات تعبیرات بسیار حساس و کلیدی از اخلاص شده است که نشان دهنده نقش مهم و منحصر به فرد آن است؛ اما در آیات قرآن، دو موضوع در این زمینه قابل توجه است:

۱. ناامیدی شیطان

شیطان که دشمن قسم خورده انسان است و به عزت الهی قسم یاد کرده تا همه بشریت را گمراه کند، در مقابل خالص شدگان احساس عجز نموده است؛ آنجا که قرآن از زبان او می‌فرماید: «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ»؛^۴ [شیطان] گفت: [خدایا!] به عزت قسم! همه

اخلاص این است که تمام اعمال انسان برای خدا باشد؛ تعلیم و تعلم برای خدا، منبر و موعظه برای خدا، دوستی و دشمنی برای خدا؛ و خوردن و خوابیدن و... همه برای او باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اباذر فرمود: «يَا أَبَا ذَرٍّ لِيَكُنْ لَكَ فِي كُلِّ شَيْءٍ نِيَّةٌ صَالِحَةٌ حَتَّى فِي النَّوْمِ وَالْأَكْلِ؛^۱ ای ابوذرا! باید در هر کاری نیتی شایسته داشته باشی؛ حتی در خوابیدن و خوردن.»

شیخ رجبعلی خیاط آن عارف وارسته می‌گفت: «همه چیز خوب است، اما برای خدا.» گاه به چرخ خود اشاره می‌کرد و می‌گفت: «همه قطعات ریز و درشتش مارک مخصوص کارخانه خود را دارد... انسان مؤمن هم همه کارهای او باید نشان خدا را داشته باشد.»^۲

منبر برای خدا

در یکی از سالها، مرد نیکوکاری از محدث قمی خواهش می‌کند که قبول کند بانی مجلس شود و تعهد می‌کند که مبلغ پنجاه دینار عراقی به ایشان تقدیم کند. در آن موقع هزینه محدث در هر ماه سه دینار بوده است.

۱. میزان الحکمة، محمدی ری شهری، ج ۱۳، ح ۲۰۹۹۹.

۲. کیمیای محبت، محمدی ری شهری، ص ۱۷۵.

۳. سیمای فرزندان، ص ۴۰۸؛ حاج شیخ عباس قمی، مرد تقوا و فضیلت، علی دوانی، صص ۴۶-۴۷.

۴. ص ۸۲ /

انسانها را گمراه می‌کنم، جز بندگان خالص شده‌ات را.»

البته مرحلهٔ مُخْلِصٌ از مُخْلِصٌ بالاتر است و طریق رسیدن به مخلص، مُخْلِصٌ شدن است.

۲. دین خالص

﴿فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾؛^۱ «خدا را پرستش کن و دین خود را برای او خالص گردان!»

مردی خدمت پیامبر اکرم ﷺ رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! ما اموال خود را به دیگران می‌بخشیم تا اسم و رسمی در میان مردم پیدا کنیم، آیا پاداشی داریم؟ فرمود: نه. مجدداً عرض کرد: گاهی هم برای اجر الهی و هم برای به دست آوردن نام می‌بخشیم، آیا پاداشی داریم؟ پیامبر فرمود: «خداوند چیزی را قبول نمی‌کند، مگر اینکه خالص برای او باشد. سپس این آیه را تلاوت کرد: ﴿أَلَّا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ﴾؛^۲ «آگاه باشید که دین خالص از آن خداست.»^۳

در روایات نیز تعبیر نغز و زیبایی از اخلاص شده است که به خوبی نقش کلیدی اخلاص را به نمایش می‌گذارد.

در اینجا به نمونه‌هایی از این تعبیر اشاره می‌شود:

۱. نهایت دین

علیؑ فرمود: «الْإِخْلَاصُ غَايَةُ الدِّينِ»؛^۴ اخلاص نقطه اوج دین [دینداری] است.»

۲. میزان عبادت

علیؑ فرمود: «الْإِخْلَاصُ مِلَاكُ الْعِبَادَةِ»؛^۵ ملاک [ارزش و قبولی] عبادت، اخلاص داشتن است.»

بنابراین، هدف از عبادت این است که انسان به خداوند تقرّب پیدا کند و این تقرّب در صورتی حاصل می‌شود که انسان اخلاص داشته باشد.

۳. رهایی

علیؑ فرمود: «فِي الْإِخْلَاصِ يَكُونُ الْخَلَاصُ»؛^۶ رهایی انسان [از گرفتاریهای دنیوی و آخرتی] در اخلاص ورزی

۱. زمر / ۲.

۲. همان / ۳.

۳. روح المعانی، ج ۲۳، ص ۲۱۲، به نقل از: تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۳۶۵.

۴. غرر الحکم، ح ۷۲۷، به نقل از: منتخب میزان الحکمة، محمدی ری شهری، ص ۱۶۴، ح ۱۸۷۲.

۵. همان مدارک.

۶. تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۱۵۴، به نقل از: منتخب میزان الحکمة، ص ۱۶۴، ح ۱۸۷۴.

است.»

۴. سعادت ابدی

علی علیه السلام فرمود: «طَوْبَى لِمَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ عَمَلَهُ وَعِلْمَهُ وَحُبَّهُ وَبُغْضَهُ وَأَخَذَهُ وَتَرَكَهُ وَكَلِمَتَهُ وَصَمْتَهُ وَفِعْلَهُ وَقَوْلَهُ؛^۱ خوشا به حال کسی که عمل و علمش را، دوستی و بغضش را، گرفتن و نگرفتنش را، سخن گفتن و سکوتش را، و رفتار و حرفش را برای خدا خالص کند!»

۵. معیار قبولی اعمال

اعمال عبادی بدون اخلاص و قصد قربت قطعاً باطل است و اعمال غیر عبادی آن‌گاه در پیشگاه الهی پذیرفته می‌شود که همراه با اخلاص و پاکی باشد؛ چنان‌که درجه قبولی (قبول خوب، متوسط و احسن القبول) و مقدار ثواب بستگی به درجه اخلاص دارد. اینکه قرآن کریم گاه پاداش حسنه را ده برابر می‌داند^۲ و گاه هفتصد برابر^۳ و گاه^۴ به غیر حساب،^۴ به خاطر درجه اخلاص اعمال و حسنات است.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «إِذَا عَمِلْتَ عَمَلًا فَأَعْمَلْ لِلَّهِ خَالِصًا لِأَنَّهُ لَا يَقْبَلُ مِنْ عِبَادِهِ الْأَعْمَالَ إِلَّا مَا كَانَ خَالِصًا؛^۵ هر گاه

عملی انجام دادی، خالصانه برای خدا انجام بده؛ چرا که از بندگانش فقط اعمالی را که خالصانه [برای خدا باشد] می‌پذیرد.»

۶. زندگی خطر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «الْعُلَمَاءُ كُلُّهُمْ هَلَكِي إِلَّا الْعَامِلُونَ وَالْعَامِلُونَ كُلُّهُمْ هَلَكِي إِلَّا الْمُخْلِصُونَ وَالْمُخْلِصُونَ عَلَى خَطَرٍ [عَظِيمٍ]؛^۶ علما و دانشمندان همه در هلاکت‌اند، جز عمل‌کنندگان [به دانششان] و عمل‌کنندگان همه در هلاکت‌اند، جز کسانی که اخلاص [در

۱. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۷۷، ص ۲۸۸، ح ۱.

۲. انعام / ۱۶۰: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَثْمَانِهَا؛» «هر کس کار نیکی به جا آورد، ده برابر آن پاداش دارد.»

۳. بقره / ۲۶: «مَثَلُ الَّذِي يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَتْ مِنْ شَايِلٍ فِي كُلِّ شَبْتَةٍ يَأْتِي خَبْءٌ؛» «کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه، یکصد دانه باشد.»

۴. زمر / ۱۰: «إِنَّمَا يُؤْتِي السَّابِقُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛» «صابران اجر و پاداش خود را بی حساب دریافت می‌دارند.»

۵. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۰۳، ح ۱.

۶. تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۱۱۸، به نقل از: منتخب میزان الحکمة، ص ۱۶۴؛ مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۱۸.

عمل] دارند و مخلصان در خطر [و تهدید بزرگی] هستند.»

حدیث فوق خطر بزرگی را به علما و واعظان و مبلغان گوشزد می‌کند که با دقت مختصری در آن بند بند وجود انسان می‌لرزد و سخت انسان را به اندیشه می‌برد و اینجاست که از خدا باید کمک گرفت تا توفیق عمل و اخلاص ورزی در آن را به همه عنایت فرماید.

دشواری اخلاص

باید اعتراف کرد که رسیدن به اخلاص کاری است بس دشوار؛ وجود هواهای نفسانی قدرتمند در درون هر فرد، وجود شیاطین جنّی و انسی، محیط و جوّ ناسالم جامعه و... مانعهای بزرگی برای به وجود آمدن و یا عوامل مهمّ از بین بردن اخلاص است. «مطالعه علوم انسانی و مطالعات اسلامی»

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: «الْإِنْقَاءُ عَلَى الْعَمَلِ حَتَّى يَخْلُصَ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ؛^۱ باقی ماندن [و پایداری] بر عمل تا آن زمان که خالص شود، دشوارتر از خود عمل است.»

عمل سخت‌تر از [خود] عمل است و خالص کردن نیت از فساد، برای عمل‌کنندگان، از جهاد طولانی [در راه خدا] سخت‌تر است.»

۲۵ سال مبارزه با ریا

سختی و دشواری اخلاص را آن‌گاه انسان متوجه می‌شود که زندگانی بزرگان را مرور نماید.

نقل می‌کنند: روزی مرحوم سید بحرالعلوم را شاگردانش خندان و متبسم یافتند، سبب را پرسیدند. در پاسخ فرمود: «پس از بیست و پنج سال مجاهدت، اکنون که در خود نگریستم، دیدم اعمالم ریایی نیست و توانسته‌ام به رفع آن موفق‌گردم.»^۲

خاطره‌ای از مرحوم بروجردی

«در بساره مرحوم آقای بروجردی رحمته الله چند روز پیش از فوتشان، عده‌ای که خدمت ایشان بودند، نقل می‌کنند: خیلی ایشان را ناراحت دیدیم. می‌گفت: خلاصه، عمر

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۶، ح ۴.

۲. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۲۸۸، ح ۱.

۳. رساله لبّ اللباب، سید محمد حسین تهرانی، انتشارات حکمت، بی‌تا، ص ۵۵.

علی علیه السلام فرمود: «تَضْفِيَةُ الْعَمَلِ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ وَ تَخْلِيصُ النَّيَّةِ مِنَ الْفَسَادِ أَشَدُّ عَلَى الْعَامِلِينَ مِنْ طَوْلِ الْجِهَادِ؛^۲ پاکیزه کردن

کجا ساخته‌اید... وقتی این را گفت، ایشان جمله‌ای فرمودند که حدیث است: «أَخْلِصِ الْعَمَلَ فَإِنَّ النَّاقِدَ بَصِيرٌ [بَصِيرًا]»^۱ عمل را خالص انجام ده؛ چرا که نقد کننده آگاه است. تو خیال کردی اینها که در منطق مردم به این شکل هست، حتماً در پیشگاه الهی هم همین طور است که پیش تو هست؛ «إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»^۲.

یک نکته

اگر عمل خالص باشد، کثرت عمل لازم نیست؛ مقدار کمی از آن نیز می‌تواند مفید و کارگشا باشد. رسول خدا ﷺ فرمود: «أَخْلِصِ قَلْبَكَ يَكْفِكَ الْقَلِيلُ مِنَ الْعَمَلِ»^۴ [نیت] قلبت را خالص کن؛ عمل اندک [نیز با نیت خالص] تو را کفایت می‌کند.

ادامه دارد

خیلی هنر می‌خواهد که
انسان از نظر تسلط بر
هواها و خواسته‌های
روحی و قلبی به حدی
رسیده باشد که در
کارهای خدایی از
ستایش دیگران نیز
خوشش نیاید. این
مرحله از اخلاص را
معصومان عليهم السلام و تالی تلو
آنها دارند.

ما گذشت و ما رفتیم و نتوانستیم چیزی برای خود از پیش بفرستیم و عملی انجام دهیم. کسی از آن جمع گفت: آقا شما دیگر چرا؟ ما بیچاره‌ها این حرفها را باید بزنیم. شما چرا؟ بحمد الله شما این همه آثار خیر از خود باقی گذاشته‌اید؛ مسجدی به این عظمت ساخته‌اید، مدرسه‌ها در کجا و

۱. بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴۳۱، ح ۲۳.

۲. مائده / ۸: «خداوند از آنچه انجام می‌دهید، باخبر است.»

۳. تعلیم و تربیت اسلامی، مرتضی مطهری، ص ۲۳۴؛ داستانهای استاد، علیرضا مرتضوی، کانون فرهنگ و هنر اسلامی، ج ۱، ص ۱۶۲.

۴. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۱۷۵، ح ۱۵.